





**دانشگاه آزاد اسلامی**  
**واحد مرودشت**  
**دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناسی**

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A) در رشته روانشناسی عمومی**

**عنوان:**

**نقش واسطه‌گری هوش هیجانی در روابط بین شیوه‌های فرزند پروری و مشکلات  
روانشناختی (استرس، اضطراب و افسردگی)**

**استاد راهنما:**

**دکتر حجت‌اله جاویدی**

**استاد مشاور:**

**دکتر سیده مریم حسینی**

**نگارش:**

**صدیقه فیروزی**

**تابستان ۱۳۹۳**



## معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

## مشور اخلاق پژوهش

بایاری از خداوند سبحان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و بمواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، مادیان و اعضا، هیئت علمی و واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلائند.



معاونت پژوهش و فن آوری  
به نام خدا  
تعهد اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجانب صدیقه فیروزی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی عمومی که در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۸ از پایان نامه خود تحت عنوان " نقش واسطه گری هوش هیجانی در روابط بین شیوه های فرزند پروری و مشکلات روانشناختی (استرس، اضطراب و افسردگی)" با کسب نمره دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.
- ۲) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء



**صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)**

نام و نام خانوادگی دانشجو: صدیقه فیروزی در تاریخ ۱۳۹۳/۰۵/۲۸ رشته:

روانشناسی عمومی

از پایان نامه خود با عنوان:

نقش واسطه گری هوش هیجانی در روابط بین شیوه های فرزند پروری و مشکلات روانشناختی  
(استرس، اضطراب و افسردگی)

با درجه و نمره دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضای هیات داوری سمت امضاء اعضای هیات داوری

۱- دکتر حجت اله جاویدی

استاد راهنما

۲- دکتر سیده مریم حسینی

استاد مشاور

۳- دکتر سلطانه علی کاظمی

استاد داور

مراتب فوق مورد تایید است.

مدیر/معاونت پژوهشی

مهر و امضاء

تقدیم به :

به مهربان فرشتگانی که لحظات ناب باور بودن ، لذت و غرور دانستن ، عظمت رسیدن و تمام تجربه های یکتا و زیبای زندگی ، مدیون حضور سبز آن هاست .

تقدیم به خانواده عزیزم...

## تقدیر و تشکر

با سپاس فراوان از اساتید گرانقدر

دکتر حجت الله جاویدی

و

دکتر سیده مریم حسینی

که در کمال سعه صدر زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند.

## چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین نقش واسطه‌گری هوش هیجانی در روابط بین شیوه‌های فرزند‌پروری و مشکلات روانشناختی (استرس، اضطراب و افسردگی) بوده است. جهت اجرای پژوهش از بین کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان شیراز به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۲۵۰ نفر انتخاب شدند و با استفاده از مقیاس افسردگی، اضطراب، استرس لای بوند (DASS)، هوش هیجانی شوت و شیوه‌های فرزند‌پروری با مریند مورد ارزیابی قرار گرفتند. طرح پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد که با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان و سلسله‌مراتبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج حاکی از این بود که بین شیوه‌های فرزند‌پروری و مشکلات روانشناختی رابطه معناداری وجود دارد و بین هوش هیجانی و مشکلات روانشناختی رابطه معناداری وجود دارد و هوش هیجانی می‌تواند در روابط بین شیوه‌های فرزند‌پروری و مشکلات روانشناختی دارای نقش واسطه‌ای معناداری باشد.

**واژگان کلیدی:** هوش هیجانی، شیوه‌های فرزند‌پروری، مقیاس افسردگی، اضطراب، استرس، دانش‌آموزان متوسطه.



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
<b>فصل اول: کلیات تحقیق</b>	
۳	مقدمه
۴	بیان مسئله
۷	اهمیت و ضرورت پژوهش
۹	اهداف پژوهش
۹	فرضیه‌های پژوهش
۹	تعریف واژه‌ها و اصطلاحات
<b>فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق</b>	
۱۲	مبانی نظری مشکلات روانشناختی
۱۲	مفهوم استرس
۱۴	مفهوم اضطراب
۱۵	مفهوم افسردگی
۱۶	ویژگی‌های افراد دارای سلامت روان
۱۷	مبانی نظری شیوه‌های فرزندپروری
۱۹	مبانی نظری هوش هیجانی
۲۰	شکل‌گیری هوش هیجانی
۲۶	پیشینه پژوهشی
۲۶	شیوه‌های فرزندپروری و مشکلات روانشناختی
۲۹	هوش هیجانی و مشکلات روانشناختی
۳۳	جمع بندی
<b>فصل سوم: روش تحقیق</b>	
۳۵	روش تحقیق
۳۵	جامعه آماری
۳۵	حجم نمونه و روش نمونه‌گیری
۳۶	ابزار گردآوری داده‌ها و روایی و پایایی آنها
۳۹	روش اجرای پژوهش

۳۹.....	روش تجزیه و تحلیل داده‌ها.....
۴۰.....	ملاحظات اخلاقی.....

#### فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

۴۲.....	یافته‌های توصیفی.....
۴۴.....	یافته‌های استنباطی.....

#### فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۵۳.....	خلاصه پژوهش.....
۵۳.....	تحلیل یافته‌های پژوهش.....
۵۷.....	محدودیت‌های پژوهش.....
۵۸.....	پیشنهاد‌های کاربردی.....
۵۸.....	پیشنهاد‌های پژوهشی.....
۵۹.....	منابع و مأخذ.....
۵۹.....	منابع فارسی.....
۶۲.....	منابع انگلیسی.....
۶۴.....	پیوست‌ها.....
۶۵.....	پیوست ۱ شیوه‌های فرزندپروری.....
۶۷.....	پیوست ۲ هوش هیجانی.....
۶۸.....	پیوست ۳ مشکلات روانشناختی.....
۶۹.....	چکیده انگلیسی.....

## فهرست جدول‌ها

عنوان	صفحه
جدول ۳-۱: توزیع فراوانی و درصد حجم و نمونه بر حسب پایه تحصیلی	۳۵
جدول ۳-۱: اعتبار پرسش نامه شیوه های فرزندپروری	۳۷
جدول ۴-۱: شاخص‌های آماری شیوه های فرزندپروری، هوش هیجانی، مشکلات روانشناختی	۴۲
جدول ۴-۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش	۴۳
جدول ۴-۳: نتایج رگرسیون چندگانه به روش سلسله مراتبی برای آزمون نقش واسطه‌گری هوش هیجانی در رابطه بین شیوه های فرزندپروری و افسردگی	۴۴
جدول ۴-۴: تحلیل رگرسیون به شیوه همزمان برای پیش بینی هوش هیجانی از روی شیوه های فرزندپروری	۴۵
جدول ۴-۵: اثر مستقیم و غیرمستقیم شیوه های فرزندپروری بر هوش هیجانی	۴۶
جدول ۴-۶: اثر مستقیم و غیرمستقیم شیوه های فرزندپروری و هوش هیجانی بر افسردگی	۴۶
جدول ۴-۷: نتایج رگرسیون چندگانه به روش سلسله مراتبی برای آزمون نقش واسطه‌گری هوش هیجانی در رابطه بین شیوه های فرزندپروری و اضطراب	۴۷
جدول ۴-۸: اثر مستقیم و غیرمستقیم شیوه های فرزندپروری و هوش هیجانی بر اضطراب	۴۸
جدول ۴-۹: نتایج رگرسیون چندگانه به روش سلسله مراتبی برای آزمون نقش واسطه‌گری هوش هیجانی در رابطه بین شیوه های فرزندپروری و استرس	۴۹
جدول ۴-۱۰: اثر مستقیم و غیرمستقیم شیوه های فرزندپروری و هوش هیجانی بر استرس	۵۰

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۳۳	شکل ۱-۲: مدل مفهومی تحقیق حاضر.....
۴۴	شکل ۱-۴: مدل مفهومی تحقیق حاضر.....
۴۶	شکل ۲-۴: مدل مفروض نقش واسطه گری هوش هیجانی در رابطه بین شیوه های فرزندپروری با افسردگی.....
۴۷	شکل ۳-۴: مدل مفهومی تحقیق حاضر.....
۴۸	شکل ۴-۴: مدل مفروض نقش واسطه گری هوش هیجانی در رابطه بین شیوه های فرزندپروری با اضطراب.....
۴۹	شکل ۵-۴: مدل مفهومی تحقیق حاضر.....
۵۰	شکل ۶-۴: مدل مفروض نقش واسطه گری هوش هیجانی در رابطه بین شیوه های فرزندپروری با استرس.....

# فصل اول

## کلیات پژوهش

سلامت به معنای سالم بودن بدن اندیشه و روح است. بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت<sup>۱</sup>؛ سلامت صرفاً به معنای عدم بیماری و یا معلول نبودن نیست، بلکه به معنای صحت کامل جسمی، روانی و اجتماعی نیز هست. همه انسان‌ها در بعضی از شرایط و زمان‌ها به دلایل مختلف دچار آشفتگی‌های هیجانی نظیر استرس، اضطراب، افسردگی<sup>۲</sup> و ... می‌شوند. این هیجانات در اکثر موارد طبیعی تلقی می‌شوند و برای ادامه حیات انسان لازم هستند. اگر هیجانات حادث شده از نظر شدت، بیشتر از ظرفیت فرد و از نظر مدت، زمان زیادی شخص را درگیر و با نوع محرک و حادثه ایجادکننده نامتناسب باشد بیمارگون تلقی می‌شود و امکان ابتلا به بیماری‌های روانی و جسمی را بالا می‌برد.

عوامل متعددی می‌توانند زمینه ساز سلامت روانی در فرد باشند. عواملی که یا نشأت گرفته از درون فرد، شخصیت و ویژگی‌های فردی است و یا اینکه می‌تواند در نتیجه‌ی محیطی که فرد در آن پرورش می‌یابد باشد. در میان عوامل محیطی نیز می‌توان به خانواده؛ نخستین نهادی که فرد از بدو تولد در آن قرار می‌گیرد، به عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در زندگی و سلامت فرد اشاره کرد. بدیهی است که هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی، اجتماعی و هیجانی فرزندان خود به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها که الگوهای ارتباطی نامیده می‌شوند، متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد. خانواده با روش‌های تربیتی متفاوت و تعاملات گوناگون بر زندگی آینده فرزندان‌شان تأثیر بسزایی دارند زیرا فرزندان بیشتر وقت خود را در خانه سپری می‌کنند و به دلایل ارتباطات قوی میان اعضای خانواده از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند بنابراین هر چه آرامش بیشتری بین اعضای خانواده حاکم باشد و محیط خانه امن‌تر باشد فرزندان استرس کمتری داشته و از بهزیستی روانی بالاتری برخوردار می‌باشند. شیوه‌های فرزند پروری یک عامل تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان بازی می‌کند. بحث در مورد هر یک از مشکلات فرزندان بدون در نظر گرفتن نگرش‌ها، رفتارها، و شیوه‌های فرزند پروری تقریباً غیرممکن است.

علاوه بر شیوه‌های فرزند پروری<sup>۳</sup>، عوامل دیگری مانند مهارت‌ها و توانش‌های عاطفی که عمدتاً تحت عنوان هوش هیجانی<sup>۴</sup> نام برده می‌شود با سلامت عاطفی-روانی نوجوانان در ارتباط است. بر

<sup>۱</sup>- WHO

<sup>۲</sup>- Stress, Anxiety and Depression

<sup>۳</sup>- parenting style

<sup>۴</sup>- emotional intelligence

اساس دیدگاه سالووی<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۰۰) کاملاً مشخص است که سازگاری با مشکلات و چالش های زندگی (مشکلات خانوادگی و مشکلات مربوط به سلامت روانی- عاطفی) به تلفیقی از افکار و اندیشه های منطقی و توانش ها و مهارت های عاطفی نیازمند است. آنچه امروزه به عنوان هوش هیجانی تلقی میشود، میتواند به تنظیم و مدیریت موفقیت آمیز مشکلات و چالش های عاطفی-اجتماعی و سازگاری با مشکلات منجر گردد بر اساس یافتی های پژوهشی، سازگاری موثر با خواسته ها و نیازها، فشارها و استرس ها و تعارضات در موقعیت های شغلی، زمینه ها و شرایط تربیتی و زندگی اجتماعی نقطه ثقل و قلب هوش هیجانی است. با توجه به این که مشکلات روانشناختی نوجوانان تحت الشعاع عوامل مختلفی از جمله شیوه های فرزند پروری و هوش عاطفی آنها قرار میگیرد لذا رابطه ای منطقی بین این مولفه ها به وجود می آید به طوریکه ابعاد شیوه های فرزند پروری و مجموعه مولفه های هوش هیجانی هر کدام به نوعی سلامت روان فرد را تحت تاثیر خود قرار میدهد. با توجه به تحقیقات انجام شده، پژوهش حاضر به بررسی نقش واسطه ای هوش عاطفی در روابط بین شیوه های فرزند پروری و مشکلات روانشناختی می پردازد.

## بیان مساله

یکی از اساسی ترین نیازهای زندگی هر انسانی سلامت روانی و جسمانی است که از جایگاه والایی در حیات هر انسانی برخوردار است. مشکلات روزمره رویدادهای ناراحت کننده کوچکی هستند که وقتی به تنهایی در نظر گرفته می شوند، چندان به چشم نمی آیند اما زمانی که این مشکلات و اختلافات باهم در یک زمان و یا وقتی که افراد تحت فشار روانی زیادی قرار دارند، رخ دهند می توانند عوارض و آسیب های زیادی را به همراه آورند. این مشکلات خواه کوچک باشند یا بزرگ یکی از علت های استرس هستند و همچنین موجب ایجاد اختلال در سلامت روانی افراد می شوند.

مشکلات روانشناختی در این تحقیق شامل اضطراب، استرس و افسردگی می باشد. افسردگی یکی از نوروهای شایع در دوره نوجوانی و جوانی است. افسردگی با تغییراتی در خلق و خوی فرد شروع می شود و او دچار غم و اندوه می شود و برای روزها، هفته ها و حتی ماه ها ادامه می یابد (پورافکاری، ۱۳۸۲). گروهی از صاحب نظران، استرس را بیماری شایع قرن نامگذاری کرده اند. استرس می تواند نیروها را تحلیل ببرد و فعالیت ها و تلاش ها را تحت تاثیر قرار دهد. وقتی که عامل استرس زا، زندگی انسان را تحت تاثیر قرار دهد حالت هیجانی و تفکر فیزیولوژیکی ما از سطح بهنجار و متعادل خود خارج شده، فعالیت شناختی آسیب پذیر می گردد و مشکلات رفتاری به صورت احساس اضطراب و افسردگی فرا خوانده می شود (ریو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲).

<sup>۱</sup> Salovey & etal

<sup>۲</sup>Reeve

روانشناسان رشدنیز همواره علاقه مند بودند که چگونگی تاثیر روش های تربیتی والدین را بر رشد قابلیت های اجتماعی و هیجانات کودکان و نوجوانان مطالعه و بررسی نمایند .

خانواده نخستین پایگاه تربیتی و قطعا اولین و مهم ترین کانون پرورش صحیح احیا و شکوفایی استعداد های کودکان است . بخش عمده ای از پرورش صحیح عقل و عاطفه که پایه و اساس سعادت انسان را تشکیل می دهند بر عهده والدین می باشد که باید از کودکی شروع شود . (رحیم زاده، ۱۳۸۱). به عقیده گزل والدینی که در نوزادی با هوشیاری پاسخگویی نیازهای کودک بوده اند بعدها به طور طبیعی به بی همتا بودن علایق و توانایی های کودک حساسیت نشان خواهند داد و کمتر تمایل دارند که انتظارات و آرزوهای خود را به کودک تحمیل نمایند . (ویلیام کرین<sup>۱</sup> به نقل از رجایی، ۱۳۸۷).

شیوه های تربیتی والدین نقش مهمی در رشد و نمو روانی-اجتماعی نوجوانان، ارتباطات خانوادگی، موفقیت های تحصیلی، توانایی تصمیم گیری و اعتماد به نفس آنها ایفا می نمایند. حمایت مناسب کودک توسط والدین و گرمی و اقتدار آنها با نتایج مثبت در نوجوانی رابطه مستقیم دارد . (ویلینگر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۵) .

برخی اولیاء نسبت به فرزندان خود بیش از حد توجه میکنند و کودکان در سالیان متمادی به بلوغ کامل اجتماعی نخواهند رسید . اگر چه حمایت کودک ضروری به نظر می رسد اما برای رعایت اعتدال گاهی لازم می شود که او را در بن بست تنها بگذارند تا خود راه چاره ای پیدا کند .

درمقابل کسانی که در کودکی مورد تحقیر و کم محبتی و بی احترامی واقع شده و یا در محیطی مملو از اختلاف پدر و مادر محرومیت و ناکامی رشد می کنند، در جوانی افرادی ستیزه جو و ناسازگار بوده و همواره در معرض ارتکاب جرم و جنایت، بیماری جسمی و روانی قرار دارند . (رحمانی، ۱۳۸۸).

نظارت و کنترل بخشی از فرایند تربیت فرزندان توسط والدین است که تعیین کننده شیوه های فرزند پروری می باشد که طبق دسته بندی بامریند در یکی از سبک های فرزند پروری دیکتاتوری و مقتدر و سهل گیرانه قرار می گیرد. والدین دیکتاتور معمولا دارای تعامل سرد همراه با کنترل زیاد با فرزندان هستند در حالیکه والدین مقتدر کنترل همراه با رابطه گرم و پاسخگویی به فرزندان را شیوه خود می دانند. در مقابل والدین سهل گیر از فرزندان خود انتظارات اندکی داشته و هیچگونه کنترل و پاسخگویی هم نسبت به آنان ندارند (رجایی، ۱۳۸۷).

چگونگی پرورش نسل جدید یکی از مهمترین اصولی است که پیشرفت یک کشور بدان وابسته است ، به منظور تحقق این امر شناخت نوجوان امری ضروری است . مساله نوجوانان یکی از مشکلات قابل توجه عصر ماست . با رشد و توسعه و تحول در جوامع و صنعتی شدن آن ، فاصله نسل جدید و قدیم از لحاظ افکار ، اندیشه ها، خواست ها، عواطف و احساسات زیاد می شود و برخوردها و

<sup>1</sup> Wiliam crane

<sup>2</sup> wilinger



ناسازگاری را برخلاف خواست طرفین به وجود می آورد. آنچه مسلم است این است که امروزه کودکان چیزهای زیادی از طریق تجارب روزمره شان در تعامل با دنیای اجتماعی و فیزیکی یاد می گیرند ولی مطلب قابل توجه در این است که پی ریزی شخصیت و رفتار کودک در خانواده شکل میگیرد و والدین نقش بی همتایی در به وجود آمدن و شکل گیری شخصیت و نوع جهان بینی و طرز تفکر فرزندان خویش ایفا می کنند (احدی، ۱۳۸۷).

یافته های متعددی ارتباط بین شیوه های فرزند پروری و سلامت روان در نوجوانان را مورد بررسی قرار داده اند به این دلیل که به طور کلی اواخر کودکی و نوجوانی در رشد جهت عمل و به طور خاص، رشد مفهوم سازی تعامل های شخص و محیط (به عنوان مثال: پیشامدهای عمل - نتیجه) نقش حیاتی دارد.

یکی از مهم ترین عواملی که مرتبط با سلامت هیجانی افراد است هوش عاطفی می باشد که به نوبه خود بر سلامت افراد تأثیر قابل ملاحظه ای می گذارد. این هوش، از مهم ترین مفاهیم تلقین دهنده جنبه های شناختی مانند تفکر و غیرشناختی ماندهیجان است و مفهوم جدیدی است که در سال های اخیر مطرح شده و در مقابل هوش شناختی به کار می رود. (عابدی، ۱۳۸۴).

هوش هیجانی یک هوش غیر شناختی است که از نظر تاریخی، ریشه در مفهوم هوش اجتماعی دارد. سالووی و مایر (۱۹۹۰) نخستین افرادی بودند که هوش هیجانی را زیر مجموعه ای از هوش اجتماعی تعریف کردند که شامل توانایی کنترل احساس ها و هیجان های خویش و دیگران، تشخیص احساس ها و هیجان ها در خود و دیگران و استفاده از این اطلاعات برای هدایت، تفکر و اقدام های خود فرد است (سالووی و مایر، ۱۹۹۰). دارا بودن هوش عاطفی به فرد توانایی خودآگاهی، مدیریت بر خود، آگاهی اجتماعی و برقراری ارتباط با دیگران را می دهد که این گستره با یکدیگر وابستگی پویا و نزدیکی دارد.

اگر فرد هیجانان خود آگاهی نداشته باشد، توانمند به مدیریت آنها نمی باشد و اگر هیجانان او خارج از کنترل باشد، توانایی او در ایجاد پیوندها دچار مشکل خواهد شد (گلمن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۰).

پژوهشگران از طریق سنجش مفاهیمی مانند مهارت های اجتماعی، توانمندی های بین فردی، رشد روانشناختی، آگاهی های هیجان که همگی مفاهیم مرتبط با هوش هیجانی هستند، به بررسی ابعاد این نوع هوش پرداخته اند. هوش هیجانی در بر دارنده آگاهی، تنظیم و بیان درست دامنه ای از هیجانان است. لذا توانایی شناخت، ابراز و کنترل این هیجانان یکی از ابعاد مهم هوش هیجانی است و ناتوانایی فرد در هر کدام از این توانایی ها منجر به اختلالاتی نظیر اختلالات خلقی و اضطرابی خواهد

---

<sup>1</sup> Goleman & etal

شد که حاکی از نقص خو دگردانی هیجانی است که ویژگی کلیدی هوش هیجانی است (شامراد لو، ۱۳۸۳).

هوش هیجانی به عنوان یکی از عوامل بسیار موثر در موفقیت فردی شناخته شده است و از آنجا که روابطی که اعضای خانواده با هم برقرار می کنند و شیوه هایی که والدین در فرزندپروری اجرا می کنند به نوعی آمیخته با هیجان است پس می توان گفت که این هیجانها نیز در سلامت روان دخیل بوده و می توانند نقش واسطه ای را بر عهده داشته باشند. لذا باتوجه به تاثیر و اهمیت سنین نوجوانی در آینده فرد و مهم بودن مسائل و مشکلات این دوران، پژوهش حاضر در صدد است که نقش واسطه ای هوش هیجانی را در روابط بین شیوه های فرزند پروری و مشکلات روان شناختی را مورد بررسی قرار دهد.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

تأمین سلامت روان نوجوانان که قشر آینده ساز هر جامعه محسوب میشوند از مهمترین مسائل اجتماعی میباشد و بدین منظور دستگاه های زیربط لازم است که در انتخاب، آماده سازی و تعلیم و تربیت آنها از شیوه ها، معیارها و برنامه هایی استفاده کنند که شرط حفظ و ارتقاء سلامت روان آنها در اولویت قرارگیرد و مد نظر داشتن هیجانها و کار بر روی سازه هوش هیجانی با توجه به محدوده سنی این افراد که این دوران را با تغییرات سریع هیجانی و فیزیکی و داشتن هیجانها شدید و پرشور توام میسازد امری بسیار مهم به نظر میرسد. نوجوانانی که احساسات خود را تشخیص میدهند، معنی ضمنی آن را درک میکنند و به گونه موثرتری تجربه هیجانی خود را تنظیم میکنند و در سازگاری با تجربه های منفی موقعیت بهتری دارند تا نوجوانانی که از لحاظ توانش هیجانی، ضعیف عمل میکنند یعنی توانایی درک و بیان حالات هیجانی را ندارند و لذا در تشخیص علت ناراحتی خود با شکست مواجه میشوند. باتوجه به اینکه رشد فرزندان در خانواده تجربه ای است هیجانی که احساساتی مانند لذت، محبت، نگرانی و یا خشم را فرا میخواند و والدین و فرزندان در تعاملات لحظه به لحظه بر یکدیگر اثر می گذارند، بررسی این رابطه می تواند روشنگر مسائل مهمی در رسیدن به یک شیوه فرزند پروری موثر و کارآمد باشد.

دیدگاه شیوه های فرزند پروری مسئله مهمی است که دارای تلویحات فراوانی هم برای والدین و هم برای فرزندان است. محققان در اهمیت باورهای والدین در بروز یا عدم بروز هیجانها در فرزندان و چگونگی نهادینه شدن آن در فرزندانشان تاکید کرده اند چنان که دیدگاهی که والدین درباره هیجانها دارند بر رابطه آنها با فرزندانشان تاثیر می گذارد (پارسایی، ۱۳۸۸).

امروزه در سراسر جهان بر اهمیت هوش هیجانی افراد و تاثیر آن بر رفتار و عملکرد تاکید زیاد می شود. اهمیت هوش هیجانی به عنوان یک عامل برای سازگاری مناسب با تحولات، بیشتر مشخص

شده است و در این میان توانمندیهای صرفاً عقلایی دیگر نمی تواند پیش بینی کننده خوبی برای موفقیت در زندگی باشند (میرزایی، ۱۳۸۵).

هوش هیجانی به ما در جهت شناخت خود و دیگران، مهارت کافی در روابط سالم با دیگران و حس مسولیت پذیری در مقابل وظایف کمک می کند. بطور کلی مطالعات انجام شده نشان دهنده نقش و اهمیت هوش هیجانی در شئون مختلف زندگی افراد اعم از تحصیل، شغل و محیط اجتماعی و سلامت روانی فرد است. اهمیت هوش هیجانی تاحدی است که هرگونه نقصی در آن میتواند صدماتی را به بار آورد و زندگی خانوادگی و تربیت فرزند و حتی در وضعیت سلامت جسمی و روانی مشکلاتی ایجاد کند. فقدان هوش هیجانی میتواند تفکر را مقهور سازد و موقعیت حرفه ای افراد را مختل کند. (گلمن، ۲۰۰۰)

با توجه به این که یکی از اساسی ترین مسائل زندگی مدرن امروزی مربوط به حل مسائل و مشکلات انسانی است، هوش عاطفی نیز مدعی است که میتواند برخی از مسائل و مشکلات زندگی بشر امروزی را حل و فصل نماید. این مساله با این استدلال همراه ساخته که چون بهره هوشی فقط قادر به تبیین حدود ۲۰٪ از واریانس موفقیت در زندگی است، هوش عاطفی با احتمال زیاد ۸۰٪ واریانس باقی مانده را تبیین خواهد کرد. لذا از آنجا که بحث درباره ی هر یک از مشکلات فرزندان، بدون در نظر گرفتن نگرش ها، رفتارها و شیوه های والدگری والدین تقریباً غیر ممکن است؛ و با توجه به نقش مهم خانواده و سبک های والدگری که در برخورد با فرزندان خود به کار میگیرد، و همچنین با توجه به اهمیت موضوع و اثرگذاری این سبک ها در سلامت روانی فرد و یا بروز مشکلات هیجانی، در این پژوهش کوشش شده تا به بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری و سلامت روان در نوجوانان و همچنین بررسی نقش واسطه ای هوش هیجانی در روابط بین این دو عامل بپردازیم. با این فرض که به کارگیری شیوه های فرزند پروری و هوش هیجانی میتوانند سلامت روان را در نوجوانان تحت تاثیر قرار دهد؛ و این هر دو عامل میتواند زمینه بروز مشکلات هیجانی را در نوجوان ایجاد کند.

لذا نتایج تحقیق حاضر در مورد اولیاء و مربیان کاربرد فراوان دارد به طوری که آنها با در نظر داشتن هیجانان و کار بر روی سازه ی هوش هیجانی نوجوانان به شرط حفظ و ارتقاء سلامت روان آنها می توانند از شیوه ها، معیارها و برنامه های خاصی در این راستا استفاده کنند.

## اهداف تحقیق:

### هدف کلی

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه ای معنادار هوش هیجانی در رابطه بین شیوه های فرزند پروری با مشکلات روانشناختی دانش آموزان است.

## اهداف جزئی

- ۱- پیش بینی مشکلات روانشناختی بر اساس مولفه های شیوه فرزندپروری.
- ۲- پیش بینی مشکلات روانشناختی بر اساس هوش هیجانی.
- ۳- بررسی نقش واسطه گری هوش هیجانی در رابطه بین شیوه های فرزندپروری و مشکلات روانشناختی.

## فرضیه های تحقیق :

- ۱- بین شیوه های فرزندپروری با مشکلات روانشناختی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین هوش هیجانی با مشکلات روان شناختی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- هوش هیجانی دارای نقش واسطه ای معناداری در روابط بین شیوه های فرزندپروری و مشکلات روانشناختی می باشد.

## تعاریف نظری متغیر ها :

### مشکلات روان شناختی :

مشکلات روانشناختی به عنوان یکی از متغیرهای این پژوهش ، اشاره به سه مشکل فشار روانی (استرس)، اضطراب و افسردگی دارد .

### اضطراب:

یک احساس منتشر، ناخوشایند و مبهم هراس و دلواپسی با منشاء ناشناخته که به فرد دست می دهد و شامل عدم اطمینان، درماندگی و برانگیختگی فیزیولوژی است (کاپلان<sup>۱</sup>، به نقل از پورافکاری، ۱۳۷۸).

### استرس:

درجه سوز و ساز بدن در اثر فشار زندگی (سلیه<sup>۲</sup>، ۱۹۵۶؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۷).

### افسردگی:

احساس غمگینی، ناکامی و ناامیدی در مورد زندگی . افسردگی همواره با از دست دادن علاقه به اغلب فعالیت ها ، آشفتگی در خواب ، تمرکز و انرژی همراه است (برگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۷).

<sup>1</sup> Caplan

<sup>2</sup> Selyeh

<sup>3</sup> Berg